

افراط در سیاست‌های خارجی که در دوران ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد رخ داد، حوزه نفتی کشور را تا مرز تعطیلی کشاند. نداشتن سیاست اقتصادی معقول و فقدان مدیریتی باتدبیر، علاوه بر سوزاندن دلارهای نفتی، روند روبه‌رشد صنعت نفت کشور را با مشکلات عدیده‌ای مواجه کرد. محیرالعقول است وقتی بدانیم در دوران جنگ، کشور با ۱۰۳ میلیارد دلار اداره شد. این در حالی بود که در سال‌های پایانی جنگ، قیمت نفت تا حدود ۱۳ دلار کاهش یافته بود؛ اما در زمان ریاست‌جمهوری محمود احمدی‌نژاد با وجود درآمد ۸۰۰ میلیارد دلاری، کشور تا مرز بحران پیش رفت. در دولت حسن روحانی با هدف احیای دوباره صنعت نفت کشور، حرکت‌هایی آغاز شد که ازجمله می‌توان به انعقاد قراردادهای نفتی موسوم به IPC اشاره کرد. مهندس رضا پدیدار، عضو شورای سیاست‌گذاری IPC، درباره ماهیت این قراردادها با روزنامه «شرق» گفت‌وگویی انجام داد. او معتقد است با اجرایی شدن این قراردادها شاهد اشتغال‌زایی، افزایش درآمد سرانه ملی و افزایش تولید خالص و تولید ناخالص ملی خواهیم بود. پدیدار با اشاره به واقع‌نگری دولت در حوزه نفت و قراردادهای جدید نفتی، بیان کرد در قراردادهای IPC ضمن در نظر گرفتن واقعیت‌ها و ضرورتی که در سرمایه‌گذاری در بخش نفت، گاز و پتروشیمی و نیز اکتشاف و استخراج احساس می‌شد، شاهد نوعی واقع‌گرایی خاص در مسیر حرکت دولت هستیم. پدیدار ابراز امیدواری کرد هرچه سریع‌تر این قراردادها منعقد شوند تا نتایج آن زودتر و بیشتر در جامعه احساس شود. نحوه انتقال دانش و علم روز در حوزه صنعت نفت به ایران، از مباحث محوری در این گفت‌وگوست. متن کامل این گفت‌وگو را می‌خوانید:

❧ درباره ضرورت گرایش دولت آقای روحانی به سمت انعقاد قراردادهای نفتی موسوم به IPC توضیح می‌دهید؟

بیبیند؛ همه کشورهای دنیا در هر شرایطی، پلن یا برنامه‌ای دارند که در آن برنامه، نموداری طی خواهد شد که مصداق رشد و توسعه است. نتیجه این رشد و توسعه نیز مساوی با پیشرفت خواهد بود. طبیعی است در کشور ما با توجه به اینکه اقتصاد کشور به نفت و گاز و مشتقات مواد هیدروکربوری وابسته است، قاعداً توجه به سمت این منابع، نقش پراهمیتی را می‌تواند در کشور ایفا کند. به‌همین دلیل می‌توانم بگویم مسئولان عالی‌رتبه کشور برای تدوین سند راهبردی، راهی جز این ندارند که از این منابع به‌درستی استفاده کنند. به تبع این مسئله و با توجه به روند تغییراتی که در جهان و در قبال روش استفاده و نحوه مصرف از این منابع رخ داد، اهمیت مصرف درست منابع نفت و گاز دوچندان شده.

در همین راستا و در قالب مدیریت منابع، می‌توان به دو جریان مختلف در کشور اشاره کرد: پیش‌زمینه فکری ما و جریان اجرایی در کشور. در قالب پیش‌زمینه فکری باید عرض کنم «حرف‌های بسیار قشنگی بر زبان جاری می‌شود» که «مصداق ایده‌آل‌گرایی است. در قالب ترجمه به زبان نسل جوان، باید گفت ما «رمانتیک» حرف می‌زنیم؛ ولی وقتی در قالب عمل وارد می‌شویم، درمی‌یابیم آن ایده‌آل‌گرایی ما، با واقعیت خیلی فاصله دارد و اتفاقاً همین قضیه به یک عارضه اجتماعی تبدیل شده‌است. این عارضه اجتماعی متأسفانه در بافت مدیریت کشور به‌ویژه در حیطه اجرایی و عملیاتی) کاملاً مشهود است. متأسفانه دیده می‌شود حتی در برنامه‌ریزی‌های کلان توسعه اقتصادی یا اسناد منتهی به پیشرفت همه‌جانبه، سفره این ایده‌آل‌گرایی گسترده است که فاصله بسیار زیادی هم با واقع‌گرایی دارد. همین تکرش باعث شده که ما نتوانیم به اهدافمان برسیم.

خوشبختانه تلاش دولت بازدهم این‌گونه بوده که از این ایده‌آل‌گرایی فاصله بگیرد و واقعیت‌های جامعه ایران و جهان را درباید که براساس همین واقع‌گرایی در دولت بازدهم، حوزه نفت ارزیابی شد و یکی از نتایج این واقعیتی همین انعقاد قراردادهای نفتی موسوم به IPC است.

اصولاً براساس همین تکرش نزدیک به واقعیت دولت آقای روحانی، در دو سال ابتدایی فعالیت، شاهد مشارکت فعلاانه بخش خصوصی و شکل‌ها و انجمن‌ها بودیم. همین مسئله منجر به این شد که دولت برای فعالیت‌های خود از بخش خصوصی کمک بگیرد. وقتی که از بخش خصوصی و دولت در انجام فعالیت‌های مختلف کمک بگیریم، مردم و بخش خصوصی نمی‌توانند ایده‌آل‌گرایانه حرکت کنند.

❧ در صحبت‌هایتان از دو مفهوم «واقع‌گرایی» و «ایده‌آل‌گرایی» استفاده کردید. به نظر شما، دولت در زمینه انعقاد قراردادهای IPC تا چه میزانی به سمت واقع‌گرایی گرایش دارد؟

نظر کارشناسی من این است که در انعقاد قراردادهای IPC با توجه به واقعیت‌ها و ضرورتی که در سرمایه‌گذاری در بخش نفت، گاز و پتروشیمی و نیز اکتشاف و استخراج در بخش بالادستی صنعت نفت احساس می‌شود، با ضریب ۹۰ درصد، به واقعیت‌ها تکریم‌شده است. این قراردادهای IPC می‌توانند با ضریب ۹۰ درصد، با واقعیت‌هایی که ما امروز نیاز داریم، تطبیق داده شود؛ به شرط اینکه مجریان درست عمل کنند. به نظر من، اگر از ظرفیت‌های کشور درست استفاده شود باید منتظر نتایج مطلوبی در این زمینه باشیم.

درباره رویکرد وزارت نفت در زمینه واگذاری پروژه‌ها به شرکت‌های داخلی، باید عرض کنم من جایگاه ابراز نظر کارشناسانه در این مورد خاص نیستم؛ چراکه هنوز به ارزیابی مناسبی دراین‌باره نرسیده‌ام. شرکت‌هایی که در حال حاضر به‌نحوان شرکت‌های «اکتشاف و تولید» ارزیابی شده‌اند، حدود هشت شرکت هستند که می‌توان گفت دولت در این مورد خاص دست به تدبیر زده. تدبیر دولت این‌گونه بوده که ابتدا تصمیم بر استفاده از ظرفیت داخل گرفته است.

نفت و انرژی

رضا پدیدار، عضو شورای سیاست‌گذاری IPC، در گفت‌وگو با «شرق»:

اجرای IPC ضامن توسعه صنعت نفت کشور است

آموزش دانشجویان صنعت نفت در قالب IPC

سیدمسعود آریادوست



عکس: ابراهیم در فیس

❧ آیا این الزام صراحتاً در IPC قید شده؟ در کدام بند و ماده؟

بله. در تبصره ماده چهارم این‌چنین آمده که: «طرف دوم قرارداد ملزم به اعمال بندهای انتقال و توسعه فناوری قرارداد اصلی در قراردادهای منعقد شده با پیمانکاران فرعی خود، حسب مورد می‌باشد».

یعنی اینکه برای مثال، من به‌عنوان پیمانکار فرعی، با شرکت خارجی قراردادی را منعقد می‌کنم. این قرارداد به شرکت ملی نفت ایران ابلاغ می‌شود؛ بنابر تبصره ماده چهارم قرارداد IPC، طرف دوم قرارداد که همان شرکت خارجی است (طرف اول قرارداد هم NIOC است)، ملزم به انتقال و توسعه فناوری یا پیمانکار فرعی است. این الزام صراحتاً در تبصره ماده چهارم قرارداد IPC قید شده است.

در بند «ب» همان ماده چهارم نیز ایضا بر این مسئله تأکید شده است. در این بند چنین آمده: «طرف دوم قرارداد ملزم به حداکثر استفاده از توان فنی و مهندسی، تولیدی، صنعتی و اجرایی کشور براساس قانون حداکثر استفاده از توان تولید و خدماتی در تأمین نیازهای کشور و تقویت آنها در امر صادرات است».

در بند «پ» ماده چهارم نیز این مسئله به‌نوعی دیگر مطرح است. در این بند قید شده که «طرف دوم قرارداد متعهد می‌شود به استفاده حداکثری از نیروی انسانی داخلی در اجرای قرارداد و ارائه برنامه جامع آموزشی جهت ارتقای کیفی این نیروها».

❧ تضمین انجام این الزامات از کجا نشئت می‌گیرد؟ آیا الزامی حقوقی است؟

این الزامات در قالب یک قرارداد است و طرف دوم قرارداد (شرکت سرمایه‌گذار) نمی‌تواند خلف صوبه در روزنامه رسمی کشور (روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۳۹۴/۰۸/۱۱) به چاپ رسیده، دوستان می‌توانند مفاد این قرارداد را مطالعه کنند. من در مناظره‌ای که با آقای خادمی، نماینده مجلس، در گزارش ویژه خبری شبکه دو سیما داشتم، همین مفاد را که در روزنامه هم به چاپ رسیده، بیان کردم.

❧ ایشان گفتند ما با این قراردادها مملکت را می‌فروشیم. از او پرسیدم چگونه می‌فروشیم؟! سادام که این فعالیت و مشارکت قرار است در یک قرارداد رسمی به سرانجام برسد و برای شرکت‌های سرمایه‌گذاری الزام ایجاد شده که با شرکت‌های ایرانی نهایت مشارکت را داشته باشند، در غیراین صورت قراردادی هم در کار نخواهد بود، فروش مملکت چه معنایی دارد؟

به نظر من، انتقادهای مطرح‌شده از واقعیات دور هستند. مثلاً مخالفان می‌گویند مدت‌زمان این قراردادها بیشتر از ۲۰ سال است، درصورتی‌که سقف این قراردادها ۲۰ سال است. انتقادهای مطرح‌شده از واقعیات فاصله دارد.

❧ برای معرفی بیشتر مزایای قراردادهای IPC نسبت به قراردادهای پیشین، مطرح‌کردن «انتقال دانش و فناوری» می‌تواند حائز اهمیت باشد. نگاه این دو قرارداد در انتقال دانش روز به حوزه نفت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

در «بای‌بک» خبری از الزام در انتقال دانش روز در حوزه نفتی به ایران نبود. اما در قراردادهای IPC این الزام وجود دارد. در بای‌بک، صرفاً بحث آموزش مطرح و به پرسنل آموزش داده می‌شد. از جمله این آموزش‌ها شامل یادگیری نحوه انجام فعالیت‌ها، روش بهره‌برداری، روش کارکردن با تجهیزات و مسائلی از این قبیل می‌شد. اما در IPC یک نوع الزام وجود دارد که دانش فنی را منتقل کند.

نگاه کلان داشته باشیم. در خاورمیانه و شمال آفریقا از نظر صنعتی و دانش فنی در اکتشاف و تولید و فرایند پالایش بین سه کشور منطقه هستیم.

❧ منطقه‌ای که عموماً کشوره‌هایش در جهان سوم خلاصه می‌شوند؟

خاورمیانه و کشورهای شمال آفریقا را عرض کردم. **❧ البته منظور بنده از علم روز دنیا، علم و تکنولوژی کشورهای پیشرفته بود.**

درباره کشورهای پیشرفته در حوزه نفت نیز باید عرض کنم ما در حال حاضر جزء ۱۰ کشور اول پیشرفته دنیا هستیم. از نظر تکنولوژی، دانش فنی، نیروی انسانی، بهره‌برداری و پالایش جزء ۱۰ کشور برتر دنیا هستیم.

❧ با این اوصاف، باز هم به شرکت‌هایی نیاز داریم که در حوزه نفت وارد کشور شوند و سرمایه‌گذاری کنند.

ما قبل از دوران تحریم جزء هفت کشور اول دنیا در حوزه نفت بودیم و به دلیل تحریم، رتبه‌مان تنزل پیدا کرد. در آن دوران نوآوری‌هایی در جهان صورت گرفت که ما نتوانستیم به آنها دسترسی داشته باشیم.

پتانسیل کنونی کشور خیلی بالاست؛ چراکه همان‌طور که گفتم نیروهای تخصصی ما در حوزه صنعت نفت، وقتی که از کشور مهاجرت می‌کنند، در بهترین مشاغل تخصصی حوزه صنعت نفت مشغول به کار می‌شوند. این مسئله نشان از توان بالای ما در صنعت نفت است. اما مشکل در نبود سرمایه است که به‌همین دلیل باید این سرمایه از خارج کشور تأمین شود. البته در پاره‌ای موارد هم که تکنولوژی پیشرفت کرده، فاقد نیروی متخصص هستیم که مسئله هم با ورود متخصصان خارجی حل‌شدنی است؛ یعنی همان کاری که همه کشورها در حوزه‌های مختلف انجام می‌دهند و هیچ ایرادی هم ندارد. اگر قراردادهای IPC عملی شوند، مطمئن باشید همین اندک مشکلات هم در آینده رفع خواهند شد.

مسئله دیگری که در همین زمینه باید به آن پرداخت، مصالح ملی و منافع ملی است. در این قراردادها هم به مصالح ملی اندیشیده شده و هم به منافع ملی. در مصاحبه‌های تلویزیونی این مسئله را بارها تکرار کرده‌ام که اگر اصرار بر عملیاتی‌شدن سریع این قراردادهاست، این‌گونه نیست که مصالح و منافع ملی را در نظر نگرفته باشیم. مواردی هم که از طرف دفتر رهبری ایراد گرفته شد عموماً یا رفع شده‌اند یا در حال رایزنی در پی رفع این ایرادها هستند که تاکنون ۱۲ مورد از این ایرادها مرتفع شده‌اند.

❧ سه مورد دیگر چه؟

سه مورد دیگر در دست مطالعه است که رفع شوند. **❧ می‌توان به این ۱۵ مورد ایراد دسترسی داشت؟** در آینده بله. برای مثال، یکی از این موارد به تنظیم چارچوبی برای قراردادهاست که اگر تحریم‌ها برگردد اوضاع این قراردادها چگونه خواهد شد. دراین‌باره تأکید شده اگر تحریم‌ها بازگردد، که همین احتمال زیان نشود، محتوای مورد دیگر که به تحریم تحریم‌ها بازمی‌گردد، عبارت بود از «امکان طرح دعای علیه ایران در دعای بین‌المللی فراهم نشود». در این راستا دولت دوراندیشی و قید کرده که بندهای ۱۴ و ۱۵ قطع‌نامه ۲۲۳۱ و بند ۲۷ بجام رعایت شود.

همه ما موظفیم به مصالح ملی و منافع ملی در قراردادها توجه کنیم. کم‌اینکه که این مهم یقیناً در این قسم از قراردادها توجه شده است.

با اجرایی‌شدن این قراردادها شاهد اشتغال‌زایی، افزایش درآمد سرانه ملی و افزایش تولید خالص و تولید ناخالص ملی خواهیم بود.

❧ در دوران دولت دفاع مقدس، براساس گفته‌های اقتصاددان‌های بنام ایران، یک نوع منش اخلاقی – علمی در حوزه نفت پیاپه شد که مانع از آسیب جدی در دوران جنگ شد. به نظر شما، امروزه استفاده از این الگو تا حد چه می‌تواند کشور را از مواجه‌شدن با مشکلات مصون کند؟

حقیقت این است که بنده به لحاظ سیاسی، قدرت تشخیص ندارم. اما به طور کلی باید گفت هر تفکری که نقطه امید ایجاد کند، ضمن رعایت ارزش‌های جامعه، پذیرفتنی است. بر مبنای این ارزش‌ها، باید تدبیری ایجاد شود که در جامعه امید ایجاد کند. زمانی‌که دولت دفاع مقدس تصدی امور را بر عهده داشتند، ما تازه فارغ‌التحصیل شده و به‌تازگی وارد صحنه کار شده بودیم. شاید خیلی نتوانستیم نخست وزیر را در آن زمان بشناسیم. اما بعدها که درباره تفکرات ایشان مطالعه کردم، ابعاد فکری ایشان را در زمینه «انسجام و رشد» بسیار ارزشمند دیدم. اگر کشور در آن مقطع دچار نوسانات جریان‌ناپذیری می‌شد، می‌توانستیم درباره نقش‌پذیری‌شان خرده بگیریم؛ اما چون جنگ را با اقتدار تمام کردند و نوعی انسجام را در کشور رقم زدند می‌توان از عملکردشان تقدیر کرد.

از پتانسیل خوبی که در کشور داشتیم بعدها توانستیم جریان‌های سازندگی و اصلاحات را رانده‌اندازی کنیم. البته در دولت نهم و دهم کشور دچار خسارت‌هایی شد. در این دوران افراط و تفریط صورت گرفت. خوشبختانه در دولت یازدهم، ساختار ما نوعی بازنگری مواجه شد. در حال حاضر می‌توان گفت در سیاست‌های کشور شاهد نوعی ریل‌گذاری هستیم. معتقدم آقای روحانی الزاما باید برای چهار سال بعد هم رئیس‌جمهور باشد؛ چراکه باید این ریل‌ها را واکن‌گذاری کند. قراردادهای IPC هم می‌تواند در این ریل‌گذاری که دولت انجام داده، راه‌اندازی شود. دولت برای اینکه IPC عملی شود همه تلاش‌های خود را انجام داد. مصوبه ارائه کرد، در مجلس از آن دفاع کرد، نمایندگان را قانع کرد، به سؤالات دفتر مقام معظم رهبری پاسخ داد و... که دولت عموم این مسائل را رفع کرد و همه این موارد دست‌به‌دست هم دادند تا ما بتوانیم روی ریلی که در این سه سال و نیم ساخته شده، واگن‌های درستی را سوار کنیم و مردم را به یک آینده روشن و خوب و پرامید، امیدوار کرد.